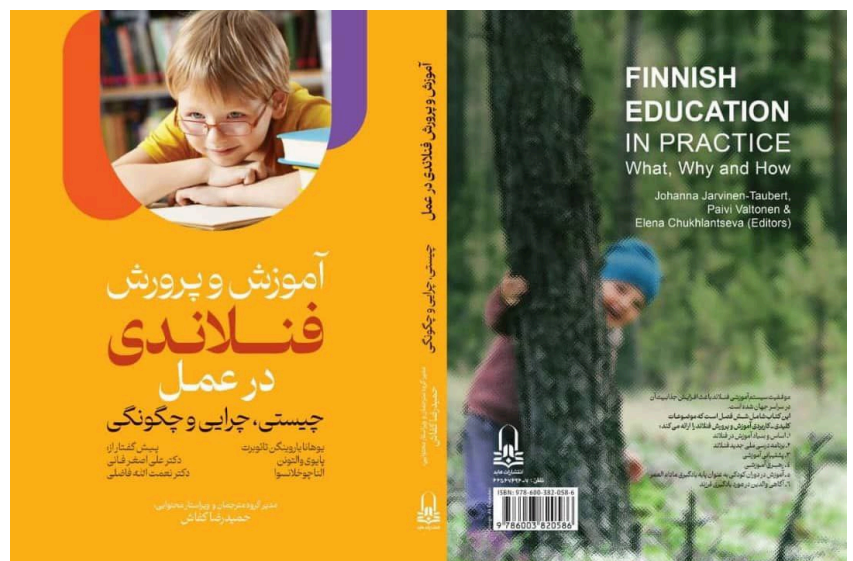


مدرنیته بر بنیاد مدرسه استوار است

نعمت‌الله فاضلی *

کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی در عمل: چیستی، چرایی و چگونگی» کتابی برای آشنایی با آموزش و پرورش فنلاند نیست؛ بل راهنمای اندیشیدن به مسائل آموزش و پرورش در جهان امروز و ایران است. دلیلی ندارد ما در ایران از فنلاند و دیگر کشورها آگاه باشیم، مگر اینکه این آگاهی‌ها برای ما واجد دلالت‌ها و معانی باشند. در فنلاند و دیگر کشورها، رخدادها، پدیده‌ها و خبرهای زیادی هست و رسانه‌ها هم مدام آنها را منتشر و منعکس می‌کنند. جهان، انباشته از رخدادهاست و رسانه‌ها هم انباشته از خبرها و گزارش‌ها. اگر مساله‌محور و گزینشی، پدیده‌های جهان را نگاه نکنیم، غرق در اقیانوس اطلاعات پراکنده و گسترده می‌شویم. در همین کتاب، آلبرت اینشتین به ما می‌گوید «هدف آموزش، آگاهی از حقایق جهان نیست، بل آموزش شیوه‌های تفکر است.» این کتاب هم اگرچه درباره حقایق نظام آموزشی فنلاند است، اما هدف از ترجمه آن آموختن شیوه اندیشیدن به آموزش در کشور ماست؛ شیوه‌ای از اندیشه که افق دید ما را گسترش دهد و ما را نسبت به ناکامی‌ها و کامیابی‌های نظام آموزشی و مدرسه‌ای حساس و هوشیار سازد. اما، چگونه؟ و چرا فنلاند؟



فنلاند شباهتی با ما ندارد

فنلاند شباهتی با ما ندارد. نه بخشی از سیاست، نه خاورمیانه، نه کشورهای اسلامی و نه جزو خانواده کشورهای منطقه نوروز یا ایران فرهنگی است. فنلاند در ویژگی‌های سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی و اقتصادی هم با هم شریک و شبیه نیست. فنلاند بخشی از اسکاندیناوی و نظام سیاسی آن سوسیال دموکراسی است و جمعیتی اندک و جغرافیایی کوچک دارد. زبان، مذهب، اقتصاد، تاریخ و آداب و رسوم آن با ما متفاوت است. فنلاند جزو کشورهای جهان اول و توسعه یافته است و ما نیستیم. اینها کفایت می‌کند که نخواهیم و نتوانیم ایران را با فنلاند مقایسه کنیم. چه، لازمه مقایسه وجود هم‌ترازی‌ها و شباهت‌هایی است. «سواد تطبیقی» ایجاب می‌کند که هم‌ترازی‌ها و ناهم‌ترازی‌ها را در نظر بگیریم.

نظام مدرسه‌ای، شباهت ما با فنلاند

با وجود این ناهم‌ترازی‌ها، مشترکاتی با فنلاند داریم که زمینه مقایسه و درس‌آموزی از نظام مدرسه‌ای فنلاند را موجه و ممکن و حتی ضروری می‌سازد. مهم‌ترین وجه اشتراک ما و فنلاند وجود «نظام مدرسه‌ای» است. نهاد مدرسه، پاره‌ای از جهان معاصر است. همه کشورهای جهان امروز، نظام مدرسه‌ای دارند و برای تربیت و آموزش فرزندان و نسل جدید و برای سوادآموزی، با حمایت دولت، نظام مدرسه‌ای را تشکیل داده‌اند. چندان بیراه نیست اگر بگوییم ما در «عصر مدرسه» زندگی می‌کنیم؛ عصری که از اواخر قرن هجدهم در اروپا آغاز شد و در قرن نوزدهم و بیستم جهانی گردید؛ عصری که بدون مدرسه هرگز نمی‌توانست همان باشد که هست (2). ما اغلب فراموش می‌کنیم همه القاب و عناوینی که به جهان مدرن و پُست مدرن می‌دهیم؛ از عصر ماشین و عصر اتم گرفته تا عصر اطلاعات و اینترنت، از عصر عقل‌گرایی و انسان‌گرایی گرفته تا عصر دموکراسی، سرچشمه‌اش مدرسه است. مدرسه، میراث مشترک جهانی بشر در عصر معاصر ماست. دقیقاً همین است نقطه اتکای ما برای مقایسه نظام‌های آموزشی و مدرسه‌ای جهان با یکدیگر.

نظام مدرسه‌ای یعنی چه؟

نظام‌های مدرسه‌ای در همه کشورها مشترکاتی دارند. همه آنها بر مبنای سن استوار شده‌اند؛ چه، بچه‌ها در همه کشورها در سن شش یا هفت سالگی راهی مدرسه میشوند. ثبت‌نام و مدرسه رفتن کودکان در همه کشورها، همگانی و اجباری است. دولت‌ها در تمام کشورها موظف به تامین و پشتیبانی مادی و حقوقی و سیاسی از مدارس‌اند. سازمان

مدارس در همه کشورها متشکل از «کلاس» و «پایه‌های آموزشی» است. مدارس همه کشورها، معلمان حرفه‌ای و آموزش‌دیده و برنامه درسی ملی و درس‌های مشترک دارند؛ درس‌هایی چون آموزش سواد و الفبا، آموزش حساب و ریاضی، آموزش علوم، آموزش زبان و ادبیات ملی، آموزش‌های مدنی و تعلیمات اجتماعی و درس دیگر. همچنین، «گفتمان آموزشی مشترک جهانی» نیز وجود دارد؛ گفتمانی که دانش‌های گوناگون علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی، مدیریت آموزشی و فلسفه آموزش و تعلیم و تربیت آن را می‌سازد. این گفتمان مشترک را رشته‌های دانشگاهی و ترجمه متون و کتاب‌های این رشته‌ها و همچنین همایش‌های بین‌المللی و بده و بستان‌های دانشگاهی و علمی در سطح جهانی و بین‌المللی می‌سازد و حمایت می‌کند. نهادهای بین‌المللی متعدد مانند یونسکو نیز وجود دارد که مشترکات جهانی نظام‌های آموزشی را تقویت و ترویج می‌کند.

جهان سیاره‌ای

در کنار این مشترکات، ما و فنلاند و دیگر کشورهای جهان، زمینه جهانی مشترک نیز داریم. کشورهای امروز در بستر «جهانی سیاره‌ای شده» قرار دارند و فرآیندهای جهانی شدن به طور پیوسته و اثرگذار از طریق فرآیندهای جهانی رسانه‌ای، ارتباطی و مبادله و جابه‌جایی جریان پیام‌ها، کالاها و اشیاء، نمادها و آدم‌ها، همه کشورها را به هم شبیه‌تر و مشترکات آنها را می‌افزاید. نظام مدرسه‌ای در جهان امروز، «زبان مشترک جهانی» است و برخی اصول و هدف‌ها و ارزش‌های مشترک دارد. نظام‌های آموزشی امروز، یک زبان مشترک را با گویش‌های ملی و محلی‌شان تکلم می‌کنند. همه کشورها به «خانواده بزرگ مدرسه» تعلق دارند. تبار و تاریخ این خانواده، مدرنیته است؛ همان تحول بزرگ و تاریخی که ایران نیز از قرن نوزدهم (سیزدهم شمسی) به آن پیوست. این خانواده، با همه تفاوت‌ها و تاریخ‌هایشان، خواهان تربیت فرزندان خود در مدرسه و تربیت فرزندان‌شان به شیوه‌ای شایسته و بایسته و متناسب با جهان مدرن است؛ جهانی که شهرنشینی و کلان‌شهر، صنعتی شدن، نظام دیوانسالاری، حقوق شهروندی، شکوفایی استعدادها و خودتحقق بخشی انسان، آزادی و کرامت انسانی و برخورداری از رفاه و امنیت، بنیان‌های آن را تشکیل می‌دهد. اینها همه مشترکات خانواده مدرسه در جهان امروز است. همین مشترکات است که ما را ناگزیر می‌دارد تا موقعیت‌ها، دست‌یافته‌ها و دست‌یافته‌های نظام‌های مدرسه‌ای را مطالعه و آنها را مقایسه کنیم. فنلاند، امروز از پیشتازان نظام‌های مدرسه‌ای جهان است. این کتاب همین را نشان

می‌دهد و همین انگیزه ترجمه و انتشار آن شده است.

چرا فنلاند توانست ما نتوانستیم؟

مآیه‌ها و موضوعات کتاب نیازمند معرفی نیست. مقالات کوتاه و فشرده و دقیقی است از موضوعات گوناگون نظام مدرسه‌ای فنلاند در دهه اخیر و بسیاری از پرسش‌ها و مسأله‌هایی را که نیاز داریم درباره ظرافت‌ها و ظرفیت‌ها و راز و رمز کامیابی مدارس فنلاند بدانیم و از آنها بیاموزیم؛ به شیوه‌ای ساده و سلیس و بدون پُرحرافی و پراکنده‌گویی بیان می‌کند.

نمی‌گویم بیاییم طابق نعل به نعل همه‌چیز را میان مدارس ایران و فنلاند مقایسه کنیم و کنید. می‌دانیم که ناهم‌ترازی‌های ایران و فنلاند بر چند و چون و کم و کیف مدارس ما اثر می‌گذارند و نمی‌توانیم مقایسه‌ای تام و تمام میان نظام‌های آموزشی این کشور بکنیم. اما، نقادانه و منصفانه و عالمانه این کتاب کوتاه و خواندنی را بخوانیم و بخوانید و بپرسید و بپرسیم: «چرا فنلاند توانسته و ما نتوانسته‌ایم؟»

قصه روشن است. فنلاند توانسته مدرسه آرمانی و کارآمد و متناسب با توسعه همه‌جانبه و متوازن خودش را خلق کند و ما نتوانسته‌ایم. ما از نیمه قرن نوزدهم رویای رسیدن به «ترقی» را در سر و سینه ملت کاشتیم و داشتیم و مصلحان و اندیشه‌گران بزرگ ما به نیکی دریافتند این «راه ترقی» از «نهاد مدرسه جدید» می‌گذرد. این راه پُر فراز و نشیب را هر طور بود آغاز کردیم و تا امروز هم ادامه دادیم (3). اکنون که در آغاز قرن پانزدهم شمسی هستیم اذعان داریم که نهاد مدرسه حال و روز خوشی ندارد و عمیقا نگران آینده آن هستیم (4).

مسأله‌های مشترک

صفحه به صفحه این کتاب را ورق بزنیم می‌بینیم اگر نگوییم همه، اغلب مسأله‌های مدرسه فنلاندی، مسأله‌های ما نیز هست. یوهانا جاروینن توبرت در همین کتاب، اصول نظام آموزشی فنلاند را «برابری و مساوات، اعتماد و مسوولیت، خودمختاری و همکاری، یادگیرنده محور و پژوهش‌محور» می‌نامد. سپس نشان می‌دهد چگونه این اصول را در عمل تحقق بخشیده‌اند. پایوی پالتنون هم نشان می‌دهد چگونه فنلاند از 2016 نظام مدرسه‌ای‌اش را تغییر داد تا متناسب مقتضیات روز کند به گونه‌ای که کودکان متناسب نیازها و زندگی واقعی‌شان آموزش ببینند. در فصلی دیگر، یوهانا توبرت «متناسب‌سازی

برنامه درسي فنلاند به گونه‌اي که دروس با كيفيت و متناسب معلمان فنلندي» را نشان مي‌دهد. کایسا تومارلا هم برنامه‌هاي مفصل نظام آموزشي فنلاند براي شناخت و اجراي روشهاي فعال کردن دانش‌آموزان را شرح مي‌دهد. ديگران همين‌طور مساله‌هاي آموزشي و مدرسه‌اي ديگر را بيان مي‌کنند که همه آنها مساله‌هاي ما در ايران هم هستند. نيازي به دقت و تمرکز بالا نيست. نگاهي سرسري به مایه‌ها و موضوعات بحث شده در اين کتاب، نشان مي‌دهد چرا و چگونه محتاج بيشتري دانستن و عميق‌تر آموختنِ مدرسه فنلندي هستيم. البته، تفاوت داريم؛ تفاوتی تلخ. تفاوت ما و فنلندي‌ها اين است که ما در آرزوها و حسرت‌هاي‌مان غوطه‌وريم و آنها خشنود و مفتخر از دستيافته‌ها و دستيافته‌هاي فکري و برنامه‌اي‌شان براي خلق مدرسه‌اي آزاد، دموکراتيک، خلاق، مشارکتي، يادگيرنده، رضايتمند و پيشرو.

محتاج مقایسه‌ایم

محتاج مقایسه‌ایم. جهان براي پيشرفت ناگزير است نظام مدرسه‌اي پيشرو و خلاق و يادگيرنده و مشارکتي و فعال و کارآمد و سودمند خلق کند. چين را نگاه کنید. همين مملکتي که چند سالي است براي ما هم مساله شده است. يانگ ژائو در «چه کسي از اژدهاي غول‌پيکر بد مي‌ترسد؛ چرا چين، بهترين (و نيز بدترين) سامانه آموزش و پرورش جهان را دارد؟» (ژائو 1401) (5) نشان مي‌دهد چين براي ربودن گوي سبقت از امريکا از دو دهه پيش اصلاحات گسترده آموزشي را رقم زده و از هر نظر نيز در رويکردي تطبيقي اين اصلاحات انجام شده است. ما سال‌هاست دانش تطبيقي آموزش و پرورش را گسترش مي‌دهيم و منابع و دروس آن را داريم اما دريغ از عمل. زماني روياي ژاپن اسلامي در سر و سينه مي‌پرورانديم و از تکنولوژيک شدن ژاپني چيز جز واردات اتومبيل‌ها و ماشين‌ها و محصولات صنايع ژاپن، نصيبي نبرديم. لازمه تحول، داشتن رهيافتي تطبيقي است و اين رهيافت به ما مي‌آموزد که مي‌توان عمل کرد و به نتايج مطلوب هم رسيد. اما، مشروط به اين مقايسه به شعارهاي سياسي تقليل نيابند. کتاب حاضر درسه‌هاي دانايي و توانايي مردم سرزمين کوچکي است که توانسته‌اند از راه آموزش دانا و توانا شوند و شهرونداني شايسته و بايسته تربيت کنند و ارزشها و باورها و قابليت‌هاي ضروري براي زيستن در جهان امروز مبناي نظام مدرسه‌اي‌شان قرار دهند. اکنون اين ما هستيم که آیا همچنان مي‌خواهيم نظاره‌گر جهان باشيم و با دید حسرت فنلاند را بنگريم يا اينکه اراده و آگاهي‌مان را براي تحولي بنيادين نظام آموزشي و ساختن آينده‌اي بهتر، بسج مي‌کنيم؟

* متن حاضر را دکتر نعمت‌الله فاضلی به عنوان مقدمه برای کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی» نگاشته‌اند که به طور اختصاصی در اختیار صفحه اندیشه روزنامه اعتماد قرار گرفته است.

پاورقی

1- استاد بازنشسته انسان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

2- سون اریک-لیدمن در کتاب زیر نشان می‌دهد که چگونه مدرنیته بر بنیاد نهاد مدرسه استوار است:

اریک-لیدمن، سون (1385) در سایه آینده؛ تاریخ اندیشه مدرنیته. ترجمه سعید مقدم. تهران: نشر اختران

3- در کتاب «مسئله مدرسه؛ بازاندیشی انتقادی در فرهنگ امروز ایران» (1401) و کتاب «مساله سواد» (زیر چاپ) این مسیر را شرح داده‌ام و پاره‌ای از علل و دلایل کامیابی‌ها و ناکامی‌های آموزشی‌مان را گفته‌ام.

4- این نگرانی را نه تنها منتقدان نظام آموزشی ما بل حتی نهادهای رسمی به آن اذعان دارند. همین روزها فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران عنوان مفصل و حجیم «آموزش و پرورش آینده؛ بازخوانی آموزش و پرورش در آستانه قرن پانزدهم شمسی را چاپ کرده‌اند (1402) و نگرانی‌ها از آینده مدرسه را نشان داده‌اند.

5- ژائو، یانگ (1401) چه کسی از اثردهای گول‌پیکر بد می‌ترسد؛ چرا چین، بهترین (و نیز بدترین) سامانه آموزش و پرورش جهان را دارد؟ ترجمه آرمان بهلولی، مهدی بهلولی و محمدرضا نیک‌نژاد. تهران: نقد فرهنگ.

فنلاند توانسته مدرسه آرمانی و کارآمد و متناسب با توسعه همه‌جانبه و متوازن خودش را خلق کند و ما نتوانسته‌ایم. ما از نیمه قرن نوزدهم رویای رسیدن به «ترقی» را در سر و سینه ملت کاشتیم و داشتیم و مصلحان و اندیشه‌گران بزرگ ما به نیکی دریافتند این «راه ترقی» از «نهاد مدرسه جدید» می‌گذرد. این راه پُر فراز و نشیب را هر طور بود آغاز کردیم و تا امروز هم ادامه دادیم. این کتاب، نشان می‌دهد چرا و چگونه محتاج بیشتر دانستن و عمیق‌تر

آموختنِ مدرسه فنلاندی هستیم. البته، تفاوت داریم؛ تفاوتی تلخ. تفاوت ما و فنلاندیها این است که ما در آرزوها و حسرت‌هایمان غوطه‌وریم و آنها خشنود و مفتخر از دستیافته‌ها و دستیافته‌های فکری و برنامه‌ایشان برای خلق مدرسه‌ای آزاد، دموکراتیک، خلاق، مشارکتی، یادگیرنده، رضایت‌بخش و پیشرو.

منبع: روزنامه اعتماد 1 شهریور 1402 خورشیدی